



شپږه شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی

موانع مشارکت روستائیان در طرح‌های هادی روستایی

شهرستان همدان

احمد یعقوبی فرانی *، مهسا معتقد **

۱۳۹۳/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مهم‌ترین موانع مشارکت مردم در طرح هادی روستایی در شهرستان همدان به شیوه تحقیقات پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را روستائیان ساکن در روستاهای بخش مرکزی شهرستان همدان که در آن‌ها طرح هادی به مرحله اجرا در آمده است، تشکیل دادند. از بین آن‌ها تعداد ۱۲۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان حجم نمونه و به شیوه انتساب متناسب، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر بود که روایی آن توسط متخصصان فن مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که رقم ۰/۸۵ به‌دست آمد. با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی، موانع مشارکت مردم در طرح هادی روستایی در شهرستان همدان در چهار گروه دسته‌بندی شد. «نادیده گرفتن توانمندی‌های مردم» اولین عامل با بیشترین تأثیر بود که در حدود ۱۶ درصد از واریانس تغییرات موانع مشارکت مردم را تبیین می‌نماید. «ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه مردم»، «ضعف عملکرد نهادهای مجری طرح» و «نارضایتی مردم از طرح هادی» دیگر عواملی بودند که بر مبنای نظرات روستائیان، به‌عنوان بازدارنده‌های مشارکت مردم در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی عمل می‌نمایند. در مجموع عوامل مذکور ۴۲/۳ درصد از تغییرات واریانس متغیرهای مربوط به موانع مشارکت مردم در طرح‌های هادی روستایی را تبیین می‌نمایند. در این مقاله بر مبنای نتایج به‌دست آمده، توصیه‌هایی برای تقویت زمینه‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، مشارکت، موانع مشارکت، طرح هادی.

* استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا. amyaghoubi@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه بوعلی سینا.

مقدمه

تجربه طرح‌های موفق توسعه و عمران روستایی بیانگر نقش مؤثر مشارکت مردم در پایداری این‌گونه طرح‌ها و ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکت مردمی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی طرح‌های توسعه‌ای است. بر همین مبنا امروزه یکی از اهداف و در عین حال ابزارهای عمده برنامه‌های توسعه روستایی را مشارکت مردم در ابعاد گوناگون اقتصادی و اجتماعی می‌دانند. مشارکت حالتی است که افراد به‌طور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون هیچ‌گونه اجباری در برنامه‌ها یا پروژه‌ها شرکت نموده و این همکاری از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا، نظارت و ارزشیابی برنامه‌ها تداوم دارد و به‌طور مستمر جریان پیدا می‌کند (عامری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). امروزه با توسعه توانمندی‌های مردم و ظرفیت‌های انسانی در محیط‌های روستایی، موضوع مشارکت مردم روستایی به‌عنوان کلیدی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف عمران روستایی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، طبیعی است هرچه توده مردم جامعه مشارکت بیشتری در امور خود داشته باشند، امکان کسب موفقیت بیشتر فراهم می‌شود و اقشار مختلف جامعه از نتایج مشارکت و فواید حاصل از برنامه‌های توسعه و عمران روستایی بهره‌مند می‌شوند (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰: ۱۵).

تحقق اهداف توسعه روستایی ممکن است با رویکردها یا راهبردهای مختلفی در کشورهای مختلف دنبال شود، اما یکی از راهبردهای غالب، توجه به توسعه زیرساختی و کالبدی است. با توجه به تفکراتی که در خصوص ساماندهی فضایی و نظام سکونتگاهی وجود دارد، مدت زمانی است که بخش عمده‌ای از برنامه‌های توسعه روستایی در کشور بر اجرای طرح‌های عمرانی نظیر طرح

بهسازی و طرح هادی روستایی متمرکز شده است. در این بین طرح هادی روستایی به‌عنوان یکی از طرح‌های توسعه فیزیکی روستا به‌دلیل برخورداری از سابقه نسبتاً طولانی در کشور، وسعت و گستره مکانی آن در سطح روستاهای کشور و از سویی پذیرش نسبتاً خوب آن از سوی مردم به‌عنوان طرحی که ارتباط مستقیم با فضای زندگی مردم و اجتماعات محلی دارد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۷۰) در بین سایر برنامه‌های توسعه روستایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و ضروری است ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر موفقیت آن مورد مذاقه قرار گیرد. وجود این ویژگی‌ها در طرح هادی و از سویی تأثیر دستاوردها و نتایج این طرح بر بهبود شرایط و کیفیت زندگی مردم روستایی و به تبع آن ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم، این طرح را از حیث ظرفیت برای جلب مشارکت مردم برجسته می‌سازد. با این حال بر مبنای برخی مطالعات انجام شده (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲) اغلب طرح‌های توسعه روستایی از جمله طرح هادی روستایی با مشارکت نسبتاً ضعیف مردم روستایی در مراحل اجرای طرح روبرو بوده، که طبیعی است تداوم این وضعیت افق روشنی را برای پیشبرد و توسعه طرح‌های عمران روستایی در کشور نشان نمی‌دهد. همچنین در مطالعه مشابهی با بررسی نتایج اثرات اجرای طرح‌های بهسازی، مواردی از عدم موفقیت این طرح‌ها و به درازا کشیده شدن روند اجرای آن به‌دلیل محدود بودن مشارکت مردم مشخص شده است (شارع پور، ۱۳۷۲: ۱۵). بر همین اساس در تحقیق حاضر با درک حساسیت و اهمیت مقوله مشارکت مردم به‌عنوان یکی از الزامات پایداری طرح‌های توسعه‌ای، موضوع جلب مشارکت مردم در مراحل مختلف اجرای طرح‌های هادی روستایی به‌عنوان یکی از دغدغه‌های ذهنی مجریان و برنامه‌ریزان این طرح مطمح نظر قرار گرفته و شناسایی مهم‌ترین موانع

رفاهی در سطح بسیار پایین قرار دارند، نمی‌توان انتظاری جهت همکاری و مشارکت اقتصادی آن‌ها در طرح‌های توسعه داشت. همچنین نبود ساختار سازمانی مناسب برای تشویق و تقویت روستائیان برای مشارکت مؤثر در طرح‌های عمرانی روستایی یکی دیگر از موانع تحقق مشارکت روستائیان است. بر مبنای یافته کارمن (۲۰۰۳)، از عمده‌ترین موانع موجود بر سر راه توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی، نادیده گرفتن توانایی‌های بالای روستائیان در زمینه‌های مختلف است. در واقع به جای اینکه روستائیان به‌عنوان عوامل اصلی توسعه روستایی مطرح گردند، به دریافت‌کنندگان منفعل فکر و خدمات تبدیل شده‌اند و در گردونه نظام پیچیده بوروکراسی (دیوان‌سالاری) دولتی گرفتار آمده‌اند. عظیمی و جمشیدیان (۱۳۸۴)، در مطالعات خود دریافتند که یکی از دلایل عدم مشارکت روستائیان در اجرای طرح‌های عمرانی، کمبود سرمایه فرهنگی می‌باشد. سرمایه فرهنگی را می‌توان مجموعه آداب و رسوم، اعتقادات و به‌ویژه نگرش‌های مردم دانست. در خصوص مردم ساکن در روستا، مشکل عمده نبود نگرش مناسب برای اجرای طرح‌های عمرانی است. نگرش از سه عنصر شناختی، عاطفی و عملی تشکیل می‌شود. در بعد شناختی، اکثر مردم از اطلاعات کافی برخوردار نیستند، در بعد عاطفی اکثر اطمینان و اعتماد کافی ندارند و لذا در بعد عملی، مشارکت در اجرای طرح‌ها از سوی مردم نمایان نمی‌گردد. لانگ و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیقی به بررسی ارزیابی توسعه کالبدی در مناطق روستایی چین پرداخته‌اند که نتایج تحقیق نشان داد از جمله مهم‌ترین مشکلات و موانع اجرای طرح‌های توسعه کالبدی- فیزیکی ضعف در سیاستگذاری دولتی، عدم مشارکت روستائیان و نبود انگیزه‌های کافی برای توسعه عمرانی روستاها، می‌باشد. براساس یافته‌های عنابستانی و اکبری

و بازدارنده‌های مشارکت مؤثر مردم روستایی شهرستان همدان در مراحل مختلف اجرای این طرح به‌عنوان مسئله اصلی تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه و ماهیت عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آن، یکی از موضوعاتی است که در طی دهه‌های گذشته محل بحث و نظریه‌پردازی محققان علوم اجتماعی بوده و بخش عمده‌ای از پژوهش‌های این حوزه از علوم را به خود اختصاص داده است. به مرور و با گسترش برنامه‌های عمران و توسعه روستایی، موضوع مشارکت مردم روستایی نیز در کانون توجه محققان توسعه روستایی قرار گرفت که نتیجه آن حجم زیادی از مطالعاتی است که در کشورهای مختلف و از جمله کشور ما در زمینه ماهیت مقوله مشارکت مردم و عوامل و زمینه‌های توسعه و تضعیف آن در مناطق روستایی انجام شده است. با توجه به اینکه ساختار این تحقیق با مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیقات مرتبط با این موضوع تدوین شده است، در این بخش به‌طور خلاصه به نتایج برخی از مطالعات مرتبط با موضوع مشارکت مردم روستایی و به‌طور خاص موانع مشارکت مردم به‌عنوان مسئله اصلی این تحقیق اشاره می‌شود.

براساس یافته علوی تبار (۱۳۸۲)، از مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت روستائیان در اجرای طرح‌های عمرانی، مشکل اقتصادی روستائیان و عدم وجود تشکیلات مناسب برای مشارکت روستائیان می‌باشد. جذب مشارکت‌های مردمی در طرح‌های عمرانی به‌خصوص طرح‌های روستایی، بستگی زیاد به امکانات و توانایی‌های اقتصادی مردم دارد. در اکثر روستاهای ایران به‌لحاظ پایین بودن سطح درآمد و محدودیت منابع مالی، روستائیان فاقد قدرت و توانایی برای مشارکت مؤثر هستند. در روستاهایی که از نظر اقتصادی و امکانات

(۱۳۹۱)، اجرای طرح‌های عمران روستایی باعث امیدواری روستائیان به سکونت در روستا شده و به لحاظ خدمات‌رسانی نیز موفق ارزیابی می‌شود. این در حالی است که این طرح‌ها به لحاظ زیست محیطی و جلب مشارکت مردم چندان توفیقی حاصل ننموده‌اند و به دلیل اشکالات موجود در فرایند تهیه و اجرای طرح‌ها، مردم و دست‌اندرکاران امر خواستار بازنگری در این فرایند هستند. در پژوهش زارعی (۱۳۸۸)، با هدف بررسی فرایند طرح‌های روستایی، مشخص شد که اصلی‌ترین مشکل در روند اجرای طرح‌های روستایی، نبود یک نظام منسجم فکری و یک مفهوم مشخص از طرح در گستره معاشناسی و نیز عدم مشارکت روستائیان در مراحل مختلف طراحی و اجرای این طرح می‌باشد. براساس یافته گائوتری (۱۳۷۹)، از جمله عوامل مؤثر در عدم مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی، نبود نظام تصمیم‌گیری دموکراتیک می‌باشد. نظام برنامه‌ریزی چه در سطح ملی و منطقه‌ای یا محلی رابطه مستقیمی با نظام حکومتی و اداری و تصمیم‌گیری کلان در مرکز دارد. بنابراین شرط مشارکت در محیط روستایی وجود یک نظام دموکراتیک و آزادی در تصمیم‌گیری است. براساس یافته‌های کلانتری و خواجه‌شاهکوهی (۱۳۸۱)، مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی را باید در تخریب منازل و تعریض معابر، عدم مشارکت مردم، کمبود وام جهت پرداخت به واحدهای خسارت دیده، طولانی شدن زمان اجرای طرح، بی‌توجهی به نیاز روستائیان، نیمه تمام رها شدن کارها و مشکل مدیریت در اجرا دانست. شارع پور (۱۳۷۲)، در مطالعه‌ای مشابه به مواردی نظیر عدم شناسایی نیازهای روستائیان در فرایند طراحی و اجرای طرح‌های هادی، به درازا کشیدن مدت اجرا، محدود شدن مشارکت مردم به کمک مالی و ناهماهنگی بین افراد دست‌اندرکار طرح در هنگام اجرا

به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات و موانع پیشبرد این طرح‌ها اشاره می‌نماید. براساس یافته پژوهش زارعی (۱۳۸۸)، کمبود سرمایه انسانی در اهالی محدوده طرح‌های مهم‌ترین عامل مؤثر در عدم مشارکت روستائیان در طرح‌های هادی می‌باشد. در پژوهش افتخاری (۱۳۸۶)، وابستگی مردم به قدرت محلی و دولتی به‌عنوان یکی از دلایل عدم مشارکت روستائیان در اجرای طرح‌های عمرانی معرفی شده است. در بسیاری از کشورهای جهان سوم و به‌ویژه کشور ما، روستائیان نسل در نسل به‌طور عمده به گروه‌های برگزیده جامعه، رهبران محلی و دولتی یا در جوامع ایرانی به ارباب روستایی که خود نماینده دولت در روستا بوده است، وابسته بوده‌اند. در نتیجه بسیاری از جوامع به دلیل فقدان اتکا به نفس و از سویی نداشتن تجربه در تصمیم‌گیری و اعمال نظر در برنامه‌های مربوط به روستا، از روند تصمیم‌گیری و اجرای این برنامه‌ها دور مانده و به‌همین ترتیب از ظرفیت، توانایی و انگیزه لازم برای مشارکت در فعالیت‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی برخوردار نیستند.

براساس یافته‌های پژوهش محمودیان (۱۳۶۹)، از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در عدم حضور و مشارکت مردم در طرح‌های روستایی کمبود سرمایه اجتماعی است، سرمایه اجتماعی را به ارتباط انسان‌ها با یکدیگر که توأم با اعتماد باشد و نیز در قالب تشکیلات محقق شود تعریف کرده‌اند. مردم ساکن در روستا اولاً ارتباط زیادی با مجریان و دست‌اندرکاران طرح ندارند، لذا نسبت به ایشان اعتماد لازم را نداشته و در عمل سازمان تشکیلاتی خاصی نیز برای این ارتباط طراحی نشده است. با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که هدایت و توسعه جریان مشارکت مردم در فرایند برنامه‌های توسعه روستاها، نیازمند اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها در سطوح خرد و کلان و نیز

توسعه روستایی در دانشگاه بوعلی سینا بررسی و با نظرت اصلاحی آن‌ها پرسشنامه نهایی تهیه شد. سنجش میزان پایایی گویه‌های پرسشنامه نیز به شیوه محاسبه ضریب آلفای کرونباخ انجام شد که ضریب به دست آمده برای گویه‌های مرتبط با موانع مشارکت در حد ۰/۸۵ بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آماره‌های توصیفی نظیر فراوانی، درصد، انحراف معیار و واریانس و تکنیک تحلیل عاملی به منظور دستیابی به موانع کلیدی مشارکت مردم در طرح‌های هادی روستایی استفاده شد.

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

با توجه به یافته‌های تحقیق، میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۳ سال با انحراف معیار ۱۱ سال بود. در حدود ۶۵ درصد از پاسخگویان مرد بودند. از نظر سطح سواد، بیشترین فراوانی (۲۵/۸ درصد) به افراد دارای سطح سواد در حد دبیرستان داشت و مابقی افراد عمدتاً در حد پایین‌تر از دبیرستان سواد داشتند.

نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح‌های

عمران روستایی

به منظور بررسی نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح‌های عمران روستایی از ۱۹ گویه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. در جدول شماره ۱، که برگرفته از سوالات مطرح شده در پرسشنامه تحقیق است، ملاحظه می‌شود، گویه "نظارت دولت بر طرح‌های عمرانی، مانع تمایل مردم به مشارکت در این طرح‌ها است" با کمترین ضریب تغییرات (۰/۳۷۹) دارای بیشترین اهمیت بوده و در اولویت اول قرار گرفته است. همچنین گویه‌های "مردم تمایلی به اشتراک فکر و ایده خود در قالب مشارکت در طرح‌ها ندارند" و "مردم به سبب ضعف روحیه کار جمعی، تمایلی به مشارکت در طرح‌های عمرانی ندارند"، به ترتیب در اولویت‌های دوم و سوم اهمیت قرار دارند.

مداخله‌گری هدفمند و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای ذیربط برای زمینه‌سازی و ظرفیت‌سازی مناسب برای جلب مشارکت و بهره‌گیری از توانمندی‌های گروه‌های مختلف مردمی می‌باشد. بر همین اساس در این تحقیق سعی شده است با نوعی کل‌نگری به بررسی و تحلیل مهم‌ترین موانع تأثیرگذار بر مشارکت روستائیان در طرح‌های هادی در مناطق روستایی شهرستان همدان پرداخته شود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مهم‌ترین موانع مشارکت روستائیان در طرح‌های روستایی در سال ۱۳۹۳ به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را روستائیان ساکن در روستاهای بخش مرکزی شهرستان همدان که در آن‌ها طرح هادی به مرحله اجرا در آمده است، تشکیل دادند. از بین آن‌ها تعداد ۱۲۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه و به شیوه انتساب متناسب، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌ای محقق ساخته جمع‌آوری شده است. با توجه به اینکه در این تحقیق نیاز به برخی داده‌ها و اطلاعات در مورد وضعیت نگرش، انگیزه و دلایل مشارکت افراد در طرح‌های هادی وجود داشت و به‌طور معمول گردآوری اینگونه داده‌ها به شیوه‌هایی نظیر مشاهده و مصاحبه به راحتی امکانپذیر و قابل سازماندهی نبود، لذا از پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی تحقیق استفاده شد. سوالات پرسشنامه بر مبنای مطالعات نظری و مرور پیش‌نگاشته‌های مرتبط با موضوع و مشتمل بر گویه‌هایی برای سنجش نگرش مردم نسبت به مشارکت در طرح‌های عمرانی و گویه‌های مربوط به موانع و بازدارنده‌های مشارکت مردم تدوین شد. روایی ابزار تحقیق با استفاده از نظرات بیش از ده نفر از کارشناسان با تجربه در امور عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان و شش نفر از محققان و اعضای هیئت علمی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح‌های عمران روستایی
۱	۰/۳۷۹	۱/۰۰۲	۲/۶۴	نظارت دولت بر طرح‌های عمرانی، مانع تمایل مردم به مشارکت در این طرح‌ها است.
۲	۰/۳۸۲	۱/۱۲۹	۲/۹۵	مردم تمایلی به اشتراک فکر و ایده خود در قالب مشارکت در طرح‌ها ندارند.
۳	۰/۴۰۹	۱/۱۳۰	۲/۷۶	مردم به سبب ضعف روحیه کار جمعی، تمایلی به مشارکت در طرح‌های عمرانی ندارند.
۴	۰/۴۱۷	۱/۲۹۰	۳/۰۹	اجرای طرح هادی وظیفه دولت بوده و بنابراین نیازی به مشارکت مردم نیست.
۵	۰/۴۲۰	۰/۸۲۴	۱/۹۶	حمایت دولت، مهم‌ترین عامل تمایل مردم به مشارکت است.
۶	۰/۴۳۱	۱/۱۷۴	۲/۷۲	وجود برخی قوانین مانع تمایل مردم روستا به مشارکت در طرح‌های عمرانی می‌باشد.
۷	۰/۴۵۳	۱/۱۳۰	۲/۴۹	دولت شرایطی را فراهم می‌آورد تا مردم در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند.
۸	۰/۴۵۸	۱/۹۱۷	۲/۰۰	مشارکت موجب استفاده بهینه از امکانات مادی و غیر مادی و منابع در روستا می‌شود.
۹	۰/۴۷۱۴	۱/۱۸۸	۲/۵۲	مشارکت مردم در طرح‌ها از سوی مسئولین چندان جدی و با اهمیت تلقی نمی‌شود.
۱۰	۰/۴۷۱۸	۱/۱۲۳	۲/۳۸	به دلیل مشخص نبودن راه‌های مشارکت، اگر فرصتی در این زمینه فراهم شود که به نفع مردم باشد، اختلال و بی نظمی در میان مردم ایجاد می‌شود.
۱۱	۰/۴۷۴	۰/۹۰۷	۱/۹۱	مشارکت در طرح‌ها باعث ایجاد حس مسئولیت بیشتر در افراد می‌شود.
۱۲	۰/۴۷۵	۱/۰۰۹	۲/۱۲	مشارکت موجب حضور فعال‌تر دولت در جهت ارائه امکانات و خدمات بیشتر می‌شود.
۱۳	۰/۴۹۲	۱/۱۵۷	۲/۳۵	افراد دارای دانش، تمایل چندانی به مشارکت در طرح‌های عمرانی دولت ندارند.
۱۴	۰/۵۰۸۲	۱/۲۳۵	۲/۴۳	مشارکت در طرح‌های عمرانی سبب افزایش اطلاعات مردم به ظرفیت روستا می‌شود.
۱۵	۰/۵۰۸۳	۱/۳۹۳	۲/۷۴	فعالیت‌های عمرانی که اجرا می‌شود برای همه مردم (فقیر و غنی) یکسان است.
۱۶	۰/۵۲۱	۱/۰۵۳	۲/۰۲	با مشارکت در فعالیت‌های روستا می‌توان احترام و موقعیت بهتری کسب کرد.
۱۷	۰/۵۲۲	۰/۹۴۰	۱/۸۰	همفکری و همکاری افراد در روستا موجب افزایش توانمندی‌های آن‌ها خواهد شد.
۱۸	۰/۵۶۲	۰/۹۰۷	۱/۷۲	مشارکت و همکاری موجب آسان شدن کارها می‌شود
۱۹	۰/۵۲۷	۱/۲۹۴	۲/۳۰	مشارکت در امور روستا، امکان اصلاح امور و خدمت بیشتر به مردم فراهم می‌شود.

ج ۱. توزیع فراوانی نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح‌های عمران روستایی.

* مقیاس: خیلی کم: ۱ کم: ۲ تا حدودی: ۳ زیاد: ۴ خیلی زیاد: ۵

نسبت به مشارکت در طرح هادی در جهت مثبت بوده و می‌توان گفت بیش از نیمی از افراد نگرش مساعد و نسبتاً مساعد دارند، به عبارتی نوعی تمایل و نگرش نسبت به مشارکت در بین مردم وجود دارد که طبیعی است بهره‌گیری از این ظرفیت نیازمند برنامه‌ریزی و تلاش برای تقویت آن از طریق فعالیت‌های فرهنگ‌ساز می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش عزیزی و همکاران (۱۳۹۱) و حسینی (۱۳۸۷)، هم‌خوانی دارد.

نگرش	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نامساعد	۱۸	۱۵	۱۵
نسبتاً نامساعد	۳۸	۳۱٫۷	۴۶٫۷
نسبتاً مساعد	۴۴	۳۶٫۷	۸۳٫۳
مساعد	۲۰	۱۶٫۷	۱۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰	

ج ۲. توزیع فراوانی نگرش روستائیان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستایی.

عوامل مؤثر بر نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی

به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر بر وضعیت نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح‌های هادی روستایی، از ضرایب همبستگی استفاده شد که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین سن و وضعیت نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی وجود ندارد. همچنین بین نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی و جنسیت و میزان تحصیلات نیز رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی وضعیت نگرش مردم نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی تحت تأثیر متغیرهایی نظیر سن، جنس و سطح تحصیلات مردم نمی‌باشد. این یافته با نتایج رومری (۲۰۰۲)، هم‌خوانی دارد.

به‌منظور توصیف متغیر نگرش روستائیان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستایی از روش "فاصله انحراف معیار از میانگین" استفاده شده است. همان‌طور که از روابط زیر پیداست با استفاده از پارامترهای میانگین و انحراف معیار، نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی در قالب چهار طبقه ضعیف، متوسط، خوب و عالی دسته‌بندی شده است. با توجه به جدول شماره ۲ نگرش روستائیان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستایی به دست آمده است. در این روش، تبدیل امتیازهای به دست آمده، به چهار سطح به شرح زیر برآورد شده است:

$$A < \text{Mean} - \text{St.d}$$

$$\text{Mean} - \text{St.d} < B < \text{Mean}$$

$$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{St.d}$$

$$D > \text{Mean} + \text{St.d}$$

A: نگرش نامساعد

B: نسبتاً نامساعد

C: نگرش نسبتاً مساعد

D: نگرش مساعد

Mean: میانگین نگرش افراد

St.d: انحراف معیار نگرش افراد

بنابراین، افرادی که نمره کمتر از ۳۹/۵ کسب کرده‌اند، دارای نگرش نامساعد، افراد با نمره ۴۷-۳۹/۵ دارای نگرش نسبتاً نامساعد، افراد با نمره ۵۴/۵-۴۷ دارای نگرش نسبتاً مساعد و افراد با نمره ۶۶-۵۴/۵ دارای نگرش مساعد نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی می‌باشند. با توجه به داده‌های جدول شماره ۲ از آنجا که بیشترین فراوانی (۳۶/۷ درصد) مربوط به گروه سوم (۴۷-۵۴/۵) است، بنابراین نگرش روستائیان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستایی نسبتاً مساعد می‌باشد، علاوه بر این، نگرش ۱۱/۷ درصد از افراد مورد مطالعه در این پژوهش مساعد می‌باشد. لذا نتایج حاکی از آن است که نگرش بیش از نیمی از مردم (۵۳/۴ درصد)

گروه‌بندی موانع پیش روی مشارکت مردم در طرح هادی روستایی

به منظور دسته‌بندی گویه‌های تحقیق در قالب موانع پیش روی مشارکت و همکاری مردم در طرح هادی روستایی و تعیین سهم هر یک، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از این تکنیک مناسب بوده ($KMO=0.747$) و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنادار است. در این بررسی چهار عامل استخراج شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ به همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوطه ارائه شده است.

ویژه ۵/۴۲ (بیشترین سهم و عامل چهارم کمترین سهم را در تبیین واریانس متغیرها داشته و در مجموع چهار عامل مذکور ۴۲/۳ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌نمایند. برای چرخش عاملی از روش وریماکس استفاده شده که در جدول شماره ۳ نتایج آن آورده شده است.

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی
عامل اول	۵/۴۲	۱۵/۹۵	۱۵/۹۵
عامل دوم	۳/۰۷	۹/۰۴	۲۴/۹۹
عامل سوم	۳/۰۶	۹/۰۲	۳۴/۰۱
عامل چهارم	۲/۸۱	۸/۲۹	۴۲/۳

ج ۳. عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که عامل اول (با مقدار

عامل	متغیرها	بارعاملی
نادیده گرفتن توانمندی مردم	عدم وجود برنامه‌هایی از سوی مجریان برای معرفی جزئیات طرح هادی برای مردم	۰/۵۹۰
	نادیده گرفتن توانایی‌های مردم در زمینه‌های مختلف توسط نهادهای دولتی	۰/۵۸۳
	عدم اعتقاد دولت به اهمیت نظرات مردم در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های عمرانی روستا	۰/۵۰۳
	عدم اعتقاد و باور دولتمردان به توانمندی و مشارکت مردم	۰/۵۹۱
	کم‌ارزش دانسته شدن نقش و همکاری مردم در اجرای طرح‌های توسعه روستایی نظیر طرح هادی	۰/۶۰۵
	عدم انجام نیازسنجی‌های دقیق از مردم در مورد طرح‌های روستایی	۰/۶۲۶
ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه در مردم	عدم وجود انگیزه کافی در مردم برای مشارکت و همکاری در طرح‌های توسعه و عمران روستاها	۰/۵۹۴
	عدم آگاهی کافی مردم در مورد اهداف و برنامه‌های سازمان‌های دولتی و به‌ویژه طرح هادی	۰/۵۹۹
	عدم تمایل مردم به همکاری در اجرای طرح‌ها به دلیل وجود مشغله فراوان و نداشتن وقت کافی	۰/۶۱۷
	تجربه و تخصص کم افراد برای انجام برخی از فعالیت‌ها و مراحل طرح هادی	۰/۶۳۰
	عدم مشارکت برخی از مردم به دلیل باور نداشتن به توانایی‌های خود برای همکاری در اجرای طرح‌ها	۰/۶۲۲
	عدم احساس مسئولیت برخی از افراد برای همکاری و مشارکت در طرح‌های عمرانی	۰/۵۸۸
ضعف عملکرد نهادهای مجری	عدم مشارکت مردم به دلیل نانشناخته بودن اهمیت اجرای طرح هادی برای مردم روستا	۰/۵۵۱
	تأماهنگی و عدم همکاری نهادهای دولتی و خصوصی برای اجرای طرح هادی	۰/۶۰۷
	طولانی شدن زمان اجرای طرح هادی	۰/۵۷۸
	عدم تمایل مردم به مشارکت، به دلیل عملکرد نامناسب مسئولین طرح هادی در تکمیل به موقع کارها	۰/۵۹۰
	نقص در شیوه تهیه و اجرای طرح هادی توسط بنیاد مسکن	۰/۵۳۷
	عدم توجه مأمورین و کارشناسان دولتی به علائق و ارزش‌ها و آداب و رسوم مردم	۰/۵۳۴
نارضایتی از طرح	نبود همبستگی و یکپارچگی بین مردم به دلیل وجود اختلافات محلی	۰/۶۱۹
	عدم رضایت مردم روستا از طرح‌های اجرا شده قبلی	۰/۵۹۹
	عدم تطابق طرح هادی با نیازهای واقعی مردم روستا	۰/۵۳۸

ج ۴. متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به دست آمده از ماتریس چرخش یافته. مأخذ: نتایج تحقیق.

در بین عوامل بازدارنده مشارکت مردم، این عامل سهم بیشتری دارد. با دقت در ماهیت این عامل به‌عنوان یک بازدارنده می‌توان به این واقعیت دست یافت که نادیده انگاشتن ظرفیت‌های مردمی علاوه بر اینکه نهادهای مجری را از توانایی‌های مردمی محروم می‌نماید، به مرور با ایجاد فاصله بین مردم و نهادهای مجری، زمینه‌ها و ظرفیت‌های مشارکت مردم نیز از بین خواهد رفت. این عامل بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس کل متغیرها داشته و در مجموع حدود ۱۶ درصد از کل واریانس متغیرها را به خود اختصاص داده است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات لاروک (۲۰۰۸)، داونز (۲۰۰۶)، جعفری (۱۳۸۸)، پاترینوس (۲۰۱۰) و سلینگر (۲۰۰۹) مبنی بر نقش تعیین‌کننده باور و اعتماد مجریان به توانمندی‌های مردم به‌عنوان عاملی در جلب مشارکت آن‌ها هم‌خوانی دارد.

عامل دوم - ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه در مردم: دقت در ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده عامل دوم نشان می‌دهد که بخشی از بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی روستایی را باید در میزان توانایی، آگاهی و انگیزه‌های مردم روستا جستجو نمود. عدم وجود انگیزه کافی در مردم برای مشارکت در طرح‌های توسعه و عمران روستاها، عدم آگاهی کافی مردم در مورد اهداف و برنامه‌های سازمان‌های دولتی و به‌ویژه طرح هادی، عدم تمایل مردم به همکاری در اجرای طرح‌ها به‌دلیل وجود مشغله فراوان، تجربه و تخصص کم افراد برای انجام برخی از فعالیت‌ها، عدم باور مردم به توانایی‌های خود برای همکاری در اجرای طرح‌ها، عدم احساس مسئولیت برخی از افراد برای همکاری و مشارکت در طرح‌های عمرانی و نیز عدم مشارکت مردم به‌دلیل پایین بودن سطح سواد و تحصیلات از جمله مواردی است که در دسته دوم عوامل جای گرفته‌اند. با توجه به ماهیت متغیرهای

همانگونه که در جدول شماره ۴ (که برگرفته از سوالات مطرح شده در پرسشنامه می‌باشد)، مشاهده می‌شود، پس از انجام تحلیل عاملی، مجموعه گویه‌های مربوط به موانع و بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی در چهار دسته عامل خلاصه شد که بر مبنای ماهیت متغیرهای قرار گرفته در هر دسته عوامل، اقدام به نامگذاری عامل‌ها شد. در ادامه به تشریح هر یک از عوامل اصلی و متغیرهای تشکیل‌دهنده آن‌ها پرداخته می‌شود:

عامل اول - نادیده گرفتن توانمندی‌های مردم: همان‌طور که در متغیرهای تشکیل‌دهنده عامل اول دیده می‌شود، عدم اعتماد و اعتقاد دولت و نهادهای مجری به توانمندی‌های مردم و نیز عدم باور به ظرفیت‌های مردمی یکی از عواملی است که می‌تواند در جلب مشارکت مردم به‌عنوان عاملی بازدارنده عمل نماید. بررسی متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل نشان می‌دهد که از دیدگاه مردم، عواملی نظیر عدم وجود برنامه‌هایی از سوی نهادهای مجری برای معرفی جزئیات طرح هادی برای مردم، نادیده گرفتن توانایی‌های مردم در زمینه‌های مختلف توسط نهادهای دولتی، عدم اعتقاد دولت به اهمیت نظرات مردم در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های عمرانی روستا، عدم اعتقاد و باور دولتمردان به توانمندی و مشارکت مردم و نیز کم ارزش دانسته شدن نقش و همکاری مردم در اجرای طرح‌های توسعه روستایی از جمله مهم‌ترین مواردی است که به‌عنوان بازدارنده‌های مشارکت مردم تأثیرگذار هستند. دقت در ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل، حکایت از وجود نوعی بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردمی به‌عنوان یک عامل بازدارنده دارد که بر همین اساس عامل اول را می‌توان «نادیده گرفتن توانمندی‌های مردم» نام نهاد.

مقدار ویژه این عامل و نیز میزان سهم آن در تبیین واریانس کل متغیرها (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که

تشکیل دهنده این عامل، از این عامل با عنوان «ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه مردم» یاد شده است.

با دقت در نوع متغیرهای تشکیل دهنده عامل‌های اول و دوم می‌توان دریافت که اساساً عامل‌های اول و دوم ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته و چه بسا توانایی اثرگذاری بر روی یکدیگر را نیز داشته باشند. همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشخص شده است عامل دوم در مقایسه با عامل اول، نقش کمتری در تبیین واریانس متغیرهای مربوط به بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی دارد. این موضوع بیانگر این واقعیت است که پاسخگویان، تأثیر بازدارندگی عامل «ضعف در توانایی، آگاهی و انگیزه مردم روستا» را در مقایسه با «نادیده انگاشتن این توانمندی از سوی مجریان» کمتر دانسته‌اند. به عبارتی اگر چه ممکن است بخشی از عدم مشارکت مردم به دلیل ضعف در توانایی، آگاهی و انگیزه مردم روستا برای مشارکت باشد ولی عامل بازدارنده مهم‌تر از این عامل، نادیده انگاشتن توانمندی‌های مردم از سوی مجریان و مسئولین نهادهای دولتی می‌باشد. در این مورد نتایج به دست آمده با نتایج تحقیقات زارعی (۱۳۸۸) و پاترینوس (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد.

عامل سوم - ضعف عملکرد نهادهای مجری: چنان‌چه در جدول شماره ۴ آمده است، متغیرهایی که در مجموع این عامل را ساخته‌اند عبارتند از: عدم مشارکت مردم به دلیل ناشناخته بودن اهمیت اجرای طرح هادی برای روستا، ناهماهنگی و عدم همکاری ارگان‌های دولتی و خصوصی برای اجرای طرح هادی، طولانی شدن زمان اجرای طرح هادی، عدم تمایل مردم به مشارکت به دلیل عملکرد نامناسب مسئولین طرح هادی در تکمیل به موقع کارها، و نقص در شیوه تهیه و اجرای طرح هادی توسط بنیاد مسکن، دقت در ماهیت این متغیرها نشان می‌دهد که این متغیرها عمدتاً به عملکرد نهادهای مجری مربوط

بوده و نمایانگر ضعف در عملکرد نهاد مجری طرح هادی به عنوان یک عامل بازدارنده مشارکت مردم در فرایند اجرای طرح هادی می‌باشد. همان‌گونه که اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، سهم این عامل در تبیین واریانس تغییرات موانع مورد بررسی به اندازه عامل دوم یعنی ضعف در آگاهی، توانایی و انگیزه مردم می‌باشد. بر مبنای این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که به رغم باور رایج در برخی اذهان مبنی بر تأثیر زیاد ناآگاهی، ناتوانی و بی‌انگیزگی مردم در مقایسه با سایر موانع، سهم این عامل به عنوان یک بازدارنده در حد و اندازه عملکرد ضعیف نهادهای مجری، زمینه‌سازی برای اساس می‌توان گفت نهادهای مجری، زمینه‌سازی برای جلب مشارکت مردم را باید از درون خود شروع نموده و با اصلاح نقاط ضعف و تقویت عملکرد خود، زمینه را برای جلب مشارکت مؤثر مردم فراهم سازند. نتیجه به دست آمده در مورد این عامل بازدارنده نیز با نتایج مطالعات زارعی (۱۳۸۸)، لاروک (۲۰۰۸)، محمودیان (۱۳۶۹) هم‌خوانی دارد.

عامل چهارم - نارضایتی از طرح: متغیرهایی که در مجموع این عامل را ساخته‌اند، عبارتند از: عدم توجه مأمورین و کارشناسان دولتی به علایق و ارزش‌ها و آداب و رسوم مردم، نبود همبستگی و یکپارچگی بین مردم به دلیل وجود اختلافات محلی، عدم رضایت مردم روستا از طرح‌های اجرا شده قبلی، عدم تطابق طرح هادی با نیازهای واقعی مردم روستا. دقت در ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده این عامل نشان می‌دهد که نارضایتی مردم از طرح می‌تواند به دلایل متعددی از جمله عدم توجه به علایق و ارزش‌های مردم، ناصحیح بودن طرح‌های اجرا شده قبلی از دید مردم و عدم تطابق طرح با نیازهای مردم بروز یابد. بدین ترتیب می‌توان گفت رضایت مردم نیز تابع متغیرهای گوناگونی است که شناسایی آن برای

عوامل و ظرفیت‌های محیط پیرامون و برخی نیز به ویژگی‌ها و عوامل درونی مشارکت‌کنندگان نسبت داد.

بررسی عامل‌های اصلی حاصل از تحلیل عاملی بازدارنده‌های مشارکت مردمی گویای آن است که موانع جلب مشارکت مردم در طرح‌های هادی در مناطق روستایی شهرستان همدان را می‌توان در چهار دسته کلی شامل «نادیده گرفتن توانمندی مردم»، «ضعف در آگاهی، توانایی و انگیزه مردم»، «ضعف عملکرد نهاد مجری طرح» و «نارضایتی مردم از طرح» تقسیم‌بندی نمود.

با دقت در ماهیت عامل‌های اصلی مشخص شده بر مبنای نتایج تحلیل عاملی، می‌توان به چند نتیجه‌گیری کلی دست یافت. نخست اینکه نگاه تک بعدی به عوامل و زمینه‌های مشارکت و همچنین بازدارنده‌های مشارکت مردمی، بخش زیادی از واقعیات مربوط به زمینه‌ها و ظرفیت‌های مشارکت مردمی را از بین برده و طبیعتاً مجریان و برنامه‌ریزان برنامه‌های توسعه را نیز در تدارک زمینه‌های جلب مشارکت مردم یاریگر نخواهد بود. وضعیت چهار عامل بازدارنده اصلی در این تحقیق و نیز ارتباط نسبی این عوامل با یکدیگر به نوعی مؤید این موضوع است که چنانچه نهادهای مجری طرح‌های توسعه‌ای، صرفاً به ایجاد و توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردمی از طریق ارتقای سطح دانش، توانایی و انگیزه‌های مردم تلاش نموده و عملکرد مجموعه نهادی خود را اصلاح نمایند نمی‌توان به تأثیر ارتقای توانمندی مردم به‌عنوان عاملی برای جلب مشارکت مردم امیدوار بود.

نکته مهم و قابل تأمل دیگر در نتایج این تحقیق، ارتباط نزدیک و بعضاً متقابل بازدارنده‌ها در فرایند جلب مشارکت مردم در طرح‌های هادی روستایی است. به گونه‌ای که «نادیده انگاشتن توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردمی از سوی نهادهای دولتی» به‌عنوان یک عامل

مجریان طرح‌های توسعه‌ای واجد اهمیت است. نکته قابل تأمل دیگر، تأثیرپذیری این عامل از عامل سوم می‌باشد. به‌عبارتی عملکرد ضعیف نهادهای مجری می‌تواند نارضایتی را در مردم ایجاد و در مواردی تشدید نماید که این موضوع نیز بایستی مورد توجه مجریان قرار گیرد.

دقت در اطلاعات جدول ۳ نمایانگر این واقعیت است که تأثیر نارضایتی مردم به‌عنوان یک بازدارنده در مقایسه با سایر بازدارنده‌ها کمتر بوده و سهم کمتری از تغییرات واریانس بازدارنده‌ها توسط این عامل تبیین می‌شود. این موضوع شاید حکایت از رضایت نسبی مردم از طرح هادی و به تبع آن توجه کمتر به این عامل به‌عنوان یک بازدارنده برای جلب مشارکت مردم داشته باشد. نارضایتی مردم از طرح‌های اجرا شده و نیز عدم انطباق نیازها و انتظارات مردم با اهداف و ویژگی‌های طرح به‌عنوان یک بازدارنده، موضوعی است که در برخی تحقیقات قبلی نظیر تحقیق ویلسون و چارلتون (۱۹۹۷)، کامرون و لارت (۲۰۰۳)، گاسیور و تاول (۲۰۰۲)، نیز به آن اشاره شده است و از این نظر می‌توان نوعی هم‌خوانی را بین نتایج این تحقیق با تحقیقات مذکور یافت.

نتیجه

با دقت در یافته‌های این تحقیق به‌ویژه گروه‌بندی بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی، می‌توان چنین استنتاج نمود که در تحلیل بازدارنده‌های مشارکت مؤثر مردم در فرایند برنامه‌ها و طرح‌های عمران روستایی و به‌طور خاص طرح هادی به‌عنوان طرح مورد بررسی در این تحقیق، باید مجموعه‌ای از زمینه‌ها و ظرفیت‌های متعدد و در عین حال به‌هم پیوسته‌ای را مد نظر قرار داد. بر مبنای آنچه از مطالعه موانع و بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های برمی‌آید، می‌توان بخشی از بازدارنده‌های مشارکت مردمی را به ضعف یا نبود برخی

بازدارنده، به مرور منجر به کاهش و یا زوال توانمندی‌ها و انگیزه‌های مردم به‌عنوان یک عامل بازدارنده دیگر شده و از سویی ضعف در توانمندی، آگاهی و انگیزه‌های مردم نیز به مرور باور و اعتماد مجریان به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردمی را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب این دو عامل باید به‌عنوان بازدارنده‌هایی که به مرور توانایی ایجاد اثرات مخرب دیگری را بر روند جلب مشارکت مردم دارند، مورد مذاقه قرار گیرند. البته همانطور که در بخش قبلی تبیین شد تأثیر بازدارندگی «نادیده انگاشتن توانمندی‌های مردم از سوی نهادهای دولتی مجری طرح» به مراتب کمتر از «ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه‌های مردمی» است. به‌عبارتی مردم احساس می‌کنند که مجریان و نهادهای دولتی به آگاهی، توانایی و انگیزه مردم روستا برای مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای و از جمله طرح هادی روستایی اعتماد کافی ندارند. از این یافته‌ها شاید بتوان چنین برداشت نمود که مردم روستا به توانمندی و آگاهی خود برای همکاری و مشارکت در طرح‌های هادی بیشتر از مسئولین اعتماد دارند. با توجه به اینکه مجریان علاوه بر اعتماد و اعتقاد به توانمندی مردم، باید زمینه‌ها و ظرفیت‌های افزایش اعتماد به نفس در مردم را نیز تقویت نماید، ضروری است مجریان به نحو مؤثری اعتماد و باور خود به توانمندی‌های مردم را به مردم نشان دهند. نکته قابل توجه دیگر اینکه مشارکت به‌عنوان یک ابزار توانمندسازی می‌تواند در ارتقای سطح توانمندی مردم و به تبع آن افزایش احساس توانمندی در بین مردم نیز مؤثر واقع شود.

در تقسیم‌بندی عوامل اصلی بازدارنده مشارکت مردم روستا در طرح‌های هادی، «ضعف عملکرد نهاد مجری طرح» نیز به‌عنوان یک عامل شناسایی شد. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده این عامل می‌توان دریافت که اساساً مردم در برنامه‌ریزی برای مشارکت و

همکاری با نهادهای مجری طرح، عملکرد نهاد مجری در روند اجرای طرح در روستا و حتی سوابق اجرایی این نهاد در سایر مناطق را نیز در نظر گرفته و این عوامل می‌تواند تعیین‌کننده مشارکت یا عدم مشارکت مردم در طرح‌ها باشد. دقت در مقادیر واریانس تبیین شده توسط هر یک از عوامل نشان داد که تأثیر بازدارندگی عملکرد ضعیف یا ناصحیح نهادهای مجری به اندازه ضعف در آگاهی، توانایی و انگیزه مردم بوده و از این حیث می‌توان به اهمیت و نقش بازدارنده ضعف نهادهای اجرایی پی برد. این موضوع می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که تلاش نهاد مجری برای اصلاح و بهبود عملکرد و فعالیت‌های اجرایی به میزان تلاش برای ارتقای توانمندی‌ها و انگیزه‌های مردم می‌تواند آثار بازدارندگی موانع موجود را برطرف نماید.

عامل بازدارنده چهارم در این تحقیق، نارضایتی مردم از طرح هادی روستایی بود که البته در مقایسه با سایر بازدارنده‌ها سهم کمتری در تبیین واریانس موانع مشارکت مردم داشت. در متغیرهای تشکیل دهنده عامل نارضایتی مردم به‌عنوان یک بازدارنده مشارکت مشخص شد که عدم توجه مجریان و نهادهای مسئول اجرای طرح به آداب، رسوم و ارزش‌های مردم روستایی و نیز کم توجهی به انطباق برنامه‌ها و طرح‌ها با نیازها و انتظارات مردم روستا می‌تواند موجب بروز نارضایتی مردم از روند اجرای طرح و به تبع آن عدم تمایل به مشارکت و همکاری در مراحل مختلف اجرای طرح شود. از دیگر نکات قابل توجه در نتایج به‌دست آمده می‌توان به تأثیر عامل «ضعف نهادهای اجرایی» بر عامل «نارضایتی مردم» اشاره نمود به گونه‌ای که به مرور ضعف عملکرد نهادهای مجری، می‌تواند نارضایتی مردم را در پی داشته باشد.

در مجموع بر مبنای نتایج تحلیل عاملی موانع مشارکت مردم در طرح‌های هادی می‌توان چنین استنتاج نمود که

بخش خمam شهرستان رشت). مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، سال بیست و هشتم، صص ۵۵-۴۴.

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین. (۱۳۸۶)، آموزش و توسعه اطلاعات در جامعه روستایی ایران؛ ماهنامه ترویجی و آموزشی دهیاری‌ها، سال پنجم: شماره ۲۴.

- احمدی، مهدیه. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر برنامه کالبدی بر توسعه بهینه سکونتگاه‌های روستایی. اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، تهران ۱۳۸۸. ص ۶.

- بدری، سیدعلی؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری. (۱۳۸۲)، ارزیابی پایداری، مفهوم و روش، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۹، صص ۹-۳۴.

- جعفری، پریش. (۱۳۸۸). ارائه مدلی برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش ایران. قابل دسترس در سایت سازمان خصوصی سازی کشور.

- حسینی، سید جواد. (۱۳۸۷)، طرح مشارکت محله در بازسازی و بهسازی بافتهای فرسوده؛ اولین همایش بهسازی و نوسازی فرسوده. مشهد مقدس، ۲۰ و ۲۱ آذرماه

- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، انتشارات قومس.

- زارعی، یاسر. (۱۳۸۸). نقدی بر فرایند تهیه طرح هادی روستایی، مسکن و محیط روستا. دوره ۲۸، شماره ۱۲۷، صص ۶۵-۵۶.

- سلیمی، افشین. (۱۳۸۵). طرح هادی روستایی (طرح کالبد روستا). مجله معماری و شهرسازی، دانشگاه تهران. - شارع پور، محمود. (۱۳۷۰)، بررسی اثرات اقتصادی اجتماعی، اجرای طرح‌های بهسازی در روستاهای استان آذربایجان شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران.

- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۸۲)، مشارکت در اداره امور شهرها (بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها). سازمان شهرداری‌های کشور. تهران. چاپ های اول و دوم.

عنابستانی، علی اکبر. (۱۳۹۱). ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح‌های هادی روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای خراسان رضوی) ماهنامه علمی - تخصصی - پژوهشی عمران، معماری، شهرسازی. سال ۱۲، شماره ۵۶، صص ۵۳-۴۷.

- علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۹۰)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴.

برنامه‌ریزی برای فراهم‌سازی زمینه‌های جلب مشارکت مؤثر مردم در طرح‌های عمران روستایی باید از درون نهادهای مجری و با تلاش برای تقویت دو بعد اساسی در «عملکرد» و «نگرش و رفتار» مجریان آغاز شود بدین ترتیب که با اصلاح و بهبود عملکردها و انطباق طرح‌ها با نیازها و انتظارات مردم به مرور زمینه برای جلب رضایت مردم از طرح فراهم شود و در بعد دیگر نیز باید مجریان، اعتماد و اعتقاد به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردمی را در رفتار و نگرش خود در مواجهه با جامعه هدف نشان دهند.

یکی از متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق که به نوعی در تمایل مردم به مشارکت در طرح‌های توسعه‌ای نیز مؤثر می‌باشد، وضعیت نگرش مردم نسبت به مشارکت و مزایای مترتب بر آن می‌باشد. در این زمینه بر مبنای یافته‌های تحقیق مشخص شد که روستائیان مورد بررسی در این تحقیق از نگرش نسبتاً مساعدی برای مشارکت در برنامه‌های عمران و توسعه روستایی برخوردار بوده و بر این مبنای می‌توان گفت چنانچه سایر زمینه‌ها برای جلب مشارکت مردم مهیا باشد، نگرش مساعد مردم در این راستا دارای تأثیرگذاری مثبت و مؤثر می‌باشد. به عبارتی با وجود نگرش مساعد در مردم برای مشارکت در طرح‌های عمرانی، فراهم‌سازی سایر شرایط و الزامات برای جلب مشارکت و همکاری مردم آسان‌تر خواهد بود.

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستائیان در نواحی روستایی شهرستان کاشان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶.

- آمار، تیمور؛ صمیمی شامی، رضا. (۱۳۸۸)، ارزشیابی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی (مطالعه موردی موردی):

China since the turn of the new millennium. *Journal of Applied Geography*, No. 31, Vol. 9, pp. 1094-1105.

-Patrinios, H.(2010). *Handbook on Public Private Partnership*. retrieved from: [http://www.ifc.org/ifcext/edinvest.nst/Content/Public private Partnership](http://www.ifc.org/ifcext/edinvest.nst/Content/Public%20private%20Partnership).

-Rummery, k.(2002). *Towards a theory of welfare Partnerships*. In : Glendining , C. ,Powell, M.& Rummery, k.(eds). *Partnerships, New Labour and the Governance of Welfare* . Bristol :Policy Press.

-Selinger, M.(2009). *The Jordan Education Initiative*. Cisco Systems. Available At: [www. Werforum . org/Pdf/JEI/Jeireport. Pdf](http://www.Werforum.org/Pdf/JEI/Jeireport.Pdf).

- عظیمی، نورالدین؛ جمشیدیان مجاور، مجید. (۱۳۸۴). بررسی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی مطالعه موردی غرب گیلان. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، ۱۰.

- عزیزی، نعمت ا...؛ جعفری، پریوش؛ فرزاد، ولی ا...؛ صنوبری، محمد. (۱۳۹۱). موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایران: مورد کاوی مدارس غیر انتفاعی؛ مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ بهار و تابستان ۱۳۹۲؛ دوره ششم؛ سال ۲۰-۲؛ شماره ۱؛ صص: ۹۴-۷۵.

-گائوتری، هونین. (۱۳۷۹)، مشارکت در توسعه. ترجمه هادی غبرایی و داوود طبایی. انتشارات روش، تهران. چاپ اول.

- کلانتری، خلیل؛ خواجه شاهکوهی، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان. اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال ۱۰. شماره ۳۸، صص ۱۹۹-۱۸۵.

محمودیان، حسین. (۱۳۶۹)، بررسی میزان و مدل مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی دهستان پشتکوه شهرستان سمنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، تربیت مدرس.

- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ سخایی، فاطمه. (۱۳۸۸)، مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند؛ پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، صص ۱۲۶-۱۱۱.

- نوروزی، امید؛ چیدری، محمد. (۱۳۸۵)، سازه‌های فرهنگی مؤثر در نگرش گندمکاران شهرستان نهاوند پیرامون توسعه آبیاری بارانی، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۲ (۲): ۷۱-۵۹.

-Carmen, A. (2003). Factors promoting and obstacle hindering joint working: a systemic review of the research evidence. *Journal of Integrated Care*, 9-17.

-Carmen, A& Lart, R. (2003). Factors promoting and obstacle hindering joint working: a Systematic review of the reseash evidence . *Journal of Integrated Care*, 11, 9-7.

-Downes, A. S. (2006). *Best Practices of Public-Private Partnerships on Education And Skills Training in The Caribbean*, Sir Arthur Lewis Institute of Social and Economic Studies University of the West Indies, Cave Hill Campus, BARBADOS.

-Larocqe, N.(2008). *on Public- Private Partnership In Basic Education : An International Review* , Cfbt Education Trust . Available At [www. Cfbt. com](http://www.Cfbt.com).

-Long, H., Zou, J., Pykett, J. and Li, Y. (2012), *Analysis of rural transformation development in*